

بسمه تعالی

هویت نویسندگان رسائل اخوان الصفا

سید هاشم شوقی

آبان ۱۳۹۴

چکیده:

اخوان الصفا یکی از گروه های اندیشمند قرن چهارم هجری قمری بودند که بی شک نهضت شان در زمینه فکری و سیاسی، یکی از نهضت های مهم سده چهارم هجری است. آنها با هدف نزدیک کردن فلسفه یونان با دین اسلام، در صدد بوجود آوردن تحول فکری در جامعه بودند و تنها راه سعادت انسان را نیز پیروی از مکتب خود می دانستند. سهم این گروه در رشد و شکوفایی فرهنگ اسلامی، با توجه به باقی ماندن ۵۲ رساله از آنها در موضوعات مختلف، قابل اعتنا و غیر قابل انکار است. این گروه، از گروه های شیعی بودند که به صورت مخفیانه و تشکیلات زیر زمینی فعالیت های خودشان را دنبال می کردند و همین باعث شده تا دیگران نسبت به شناخت اعضاء و رهبران این انجمن با مشکلاتی مواجه شوند و درباره هویت آنها دچار اختلاف نظر گردند. نوشته حاضر تحقیقی مختصر در جهت شناخت نویسندگان رسائل اخوان الصفا می باشد.

کلمات کلیدی: اخوان الصفا، اسماعیلیه، فلسفه، فلسفه یونان.

مقدمه

اخوان الصفا، یک جمعیت سرّی فلسفی - عرفانی بودند که در سده چهارم هجری که دوره شکوفایی علم و فرهنگ نیز بود، ظهور کردند و بنیانگذار نهضتی شدند که به عنوان یکی از نهضت های مهم فکری - سیاسی شناخته شد.

این جمعیت که به باور برخی تاریخ نگاران، همه ایرانی بودند، علاوه بر اینکه بسیار دوستانه و برادرانه با هم زندگی می کردند، با هم فکری یکدیگر به یک نوع مسلک فکری رسیده بودند و سعادت بشری را در طی کردن این مسیر می دانستند، آنها با هدف غفلت زدایی از جامعه دوران خود و همچنین آشنایی هر چه بیشتر دیگران با مرام و مسلک خودشان، اقدام به نوشتن مقالاتی در موضوعات مختلف بدون ذکر نویسنده کردند و آنها را در یک مجموعه دایره المعارفی با نام «رسائل اخوان الصفا» گرد آوری و در دسترس دیگران قرار دادند.

پیدایش انجمن سرّی اخوان الصفا بدون تردید، یکی از رویدادهای مهم فکری و فرهنگی سده چهارم هجری قمری است. این انجمن با هدف زدودن هر گونه تضاد و تعارض بین فلسفه یونان و مبانی دین اسلام، دست به قلم برده و بیش از ۵۰ رساله در موضوعات مختلف در این باره نوشتند. اخوان الصفا در این رساله ها تلاش فراوانی در نزدیک کردن فلسفه یونان و دین اسلام انجام دادند. اما یکی از مسائل مهم در مورد این گروه، این است که آنها تمامی فعالیت های خودشان را به صورت مخفیانه و زیر زمینی انجام می دادند و عمدا از افشای هویت خود امتناع کرده اند و لذا هویت نویسندگان این رسائل طی قرنهای گذشته همواره محل پرسش برای محققان بوده است که این رسائل محصول چه کسانی است؟ آنها چند نفر بوده اند؟ دارای چه مذهبی بوده اند؟ آیا شیعه اثنا عشری بوده اند و یا شیعه اسماعیلی و یا گروهی از اندیشمندان و متفکران دیگر فرق اسلامی؟ هر چند بعضا محققان و پژوهشگران سعی کرده اند تا با تکیه بر گزارش های منابع تاریخی، این ابهام و آشفتگی را رفع کنند، اما به رغم پژوهش های فراوان، باز هم این آشفتگی در میان پژوهشگران به چشم می خورد. در این نوشتار سعی شده بعد از بیان شرایط تاریخی و سیاسی انجمن اخوان الصفا، به معرفی اجمالی از رسائل نوشته شده توسط این انجمن پرداخته و با تکیه بر منابع تا جایی که امکان دارد به هویت، اعضا و اهداف این انجمن و راز مخفی بودن آنها اشاراتی داشته باشیم.

شرایط تاریخی و سیاسی و اجتماعی آن دوران

قرن چهارم و پنجم هجری قمری، فرهنگ پر محتوای اسلامی به اوج شکوفایی خود رسید و لذا آن را عصر شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی می‌دانند، یکی به خاطر اوضاع سیاسی حاکم بر بلاد اسلامی که در نتیجه ضعف خلافت عباسی در بغداد و قدرت یافتن تشیع و تشکیل حکومت‌های شیعی در بلاد اسلامی بوجود آمده بود مانند حکومت فاطمیان در مصر، قرامطیان در بحرین، آل بویه در ایران که هر کدام از آنها خصوصاً فاطمیان بنیان‌گذار تمدن مهمی در مناطق تحت حکومت خودشان شدند، و یکی هم خاطر بروز شخصیت‌های بزرگ علمی و فرهنگی در این عصر، مانند ظهور فارابی (339هـ)، ابن عمید (360هـ)، ابن سینا (428هـ) و ابوریحان بیرونی (440هـ) که اینها از جمله دانشمندان قرن چهارم و پنجم می‌باشند که سهم به‌سزایی در رشد تمدن اسلامی در زمینه‌های مختلف داشتند. در این عصر تعدد آراء و اندیشه‌های فراوانی وجود داشت و یکی از آن تفکرات و اندیشه‌ها، فلسفه یونان بود که به نحو وسیعی در میان جامعه گسترش یافته بود؛ شاید بتوان گفت تمایلات فیثاغوری - افلاطونی که رنگ تصوف هم داشت، بر دیگر اندیشه‌ها برتری خاصی یافته بود، و بیشتر فرقه‌های اسلامی می‌خواستند با تکیه بر فلسفه، بنیان عقاید خود را مستحکم‌تر کنند، ظهور اخوان الصفا نتیجه طبیعی اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این عصر بوده است. آنها با نوشتن رسائل خود با مزوج کردن فلسفه یونان و مبانی دین اسلام، به بیان حقایق فکری خود پرداختند و پیروان خویش را برای رسیدن به سعادت، دعوت به پیروی از مسلک خود نمودند.

معرفی اجمالی رسائل اخوان الصفا

رسائل اخوان الصفا که نام کاملش «رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا و اهل العدل و ابناء الحمد» به معنای «کتابهای برادران پاکی و دوستان وفاداری و اهل عدالت و پسران ستایش» هست، مجموعه‌ای دایره‌المعارف گونه شامل 52 رساله در موضوعات مختلف از جمله، دین، فلسفه و حکمت عملی، هندسه، موسیقی، جغرافیا، اخلاق، جادو و غیره است که توسط انجمن اخوان الصفا نوشته شده است. هر چند در مورد عدد رسائل اختلاف هست و اعداد متفاوتی در این زمینه بیان می‌شود، اما نظر مشهور و رایج در این باره این است که رسائل اخوان الصفا، پنجاه و دو رساله است که یک رساله جامعه از طرف خود اخوان الصفا به آن ضمیمه شده است. تاریخ دقیق تالیف رسائل نیز مانند نویسندگان آن در پرده‌ای از ابهام هست اما با کمک گرفتن از خود رسائل و اشاراتی که نویسندگان به شعرای زمان خود داشته‌اند، می‌توان تاریخ تالیف کتاب را بین 350 تا 375 هجری قمری دانست.

در هر صورت آنچه مهم است این است که رسائل اخوان الصفا از مهم ترین میراث اسلامی است که مجموعه ای از افکار و دیدگاه های مختلف با تکیه بر مبانی و احکام اسلام و فلسفه یونان در آن گردآوری شده است. رسائل شامل 4 بخش عمده است و هر بخشی چندین رساله و هر رساله چندین فصل را دربرمی گیرد:

الف - رسائل ریاضی (14 رساله)

ب - رسائل جسمانی طبیعی (17 رساله)

ج - رسائل نفسانی عقلی (10 رساله)

د - رسائل قانون های الهی و شریعت های دینی (11 رساله)

آنها در رسائل خودشان کوشیده اند تا پیروان خود را با بخش های دانش ها و هنرهای نظری و عملی دوران خودشان آشنا کنند.

هویت اخوان الصفا

مسئله مهم که از دیرباز محل بحث برای محققان و صاحب نظران بوده است این بوده که این رسائل را چه کسانی نوشته اند؟

با توجه به اینکه اخوان الصفا فعالیت های خودشان را به صورت مخفیانه و زیر زمینی انجام می دادند، هویت آنها مشخص نبوده و در تاریخ نیز نظر قطعی و روشنی درباره این گروه وجود ندارد، و همواره هویت آنها، مذهب آنها، تعداد آنها و رهبران آنها میدان بحث و گمانه زنی بوده است، تعداد نویسندگان رسائل اخوان الصفا محل تردید جدی است که آیا یک نفر بوده اند، ۵ نفر بوده اند و یا تشکیلات بزرگ تر و تعداد بیشتری بوده اند که به صورت گروهی کار می کردند، درباره مذهب اخوان الصفا با اینکه بیشتر صاحب نظران این گروه را از گروه های شیعی و از پیروان فرقه اسماعیلی می دانند، اما اقوال دیگری نیز درباره مذهب آنها بیان می شود و حتی گاه آنها را از زنادقه و کفار نیز شمرده اند.

تعداد نویسندگان رسائل اخوان الصفا

در مورد تعداد نویسندگان رسائل اخوان الصفا اقوال مختلفی بیان شده است:

قول اول: برخی بیان داشته اند که نویسنده تمام این رساله ها یک نفر می باشد و معتقدند که یکی از ائمه اسماعیلی به نام احمد بن عبدالله بن محمد المکتوم بن جعفر الصادق نویسنده رسائل اخوان الصفاست. این نظریه در ترجمه فارسی این رسائل که به اهتمام میرزا محمد ملک (در ۱۳۰۴ق) نوشته شده است آمده است، همچنین

۱. ترجمه رسائل اخوان الصفا، به اهتمام میرزا محمد ملک، ص ۱۵۹.

ادریس عمادالدین یکی از مورخان قرن نهم هجری در عیون الاخبار، تألیف رسائل اخوان الصفا را به احمدبن عبدالله نسبت داده و می گوید:

احمدبن عبدالله از انحراف مسلمانان از شریعت محمدی به علوم فلاسفه بیمناک شده و لذا رسائل اخوان الصفا را تألیف نمود و در آن علوم و حکمت و معارف الهی و فلسفی و شرعی را گردآوری نمود.^۲

کسانی که نویسندگان رسائل را یک نفر بیان داشته اند، افراد دیگری را نیز به عنوان نویسنده این رسائل بیان می کنند که کمتر مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران واقع شده چرا که دارای شواهد کمتری در این زمینه بوده اند مثلاً گروهی این رسائل را از آثار امام جعفر صادق (علیه السلام) می دانند و گروه دیگری این رسائل را به قاسم اندلسی نسبت می دهند. همچنین گروهی بر این عقیده هستند که رسائل از تألیفات حکیم مجریطی قرطبی است، دلیل انتساب رسائل به مجریطی این است که او رساله جامعه ی اخوان الصفا را از طریق املائی محتوای آن به شاگردانش در اندلس، ترویج کرده است، لذا این تصوّر پیش آمده که مجریطی خود رسائل را نوشته است.^۳

قول دوم:

اما آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته و شواهد تاریخی نیز بر آن صحه می گذارد این است که اخوان الصفا گروهی از فلاسفه بودند که به دلیل همفکری و به جهت رسیدن به هدف واحد خودشان، اقدام به نوشتن رسائل کرده اند. اصلاً مشهور شدن علمی و سیاسی اخوان الصفا نیز به سبب همین فعالیت جمعی و حزبی آنها بوده است و لذا این دیدگاه از اهمیت تاریخی بیشتری برخوردار می باشد.

اما این گروه اسامی خویش را پنهان نگه داشته اند و لذا بیان قطعی نام آنها ممکن نبوده و همواره مورد اختلاف بوده است اما در این بین نویسندگان تاریخ الحکماء از جمله کسانی است که به نقل از ابوحیان توحیدی، اسامی نویسندگان رسائل را ذکر کرده است و می گوید:

چون مصنفین رسائل اخوان الصفا اسامی خویش را کتمان نموده بودند در بین مردم در مورد آنان اختلاف وجود داشت و هر گروهی از روی حدس و گمان چیزی می گفتند. گروهی آنان را به بعضی از ائمه از نسل علی بن ابی طالب (علیه السلام) نسبت می دادند، گروهی آنان را به برخی از نویسندگان معتزله نسبت می

۲. عیون الاخبار، ادریس عمادالدین، ج ۴، به نقل از عارف تامر، رسائل اخوان الصفا، مقدمه، ص ۱۶.

۳. تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، حناالفاخوری، ترجمه عبدالمحمد آیتی.

دادند، و این گونه بحث ها و اختلافات ادامه داشت تا این که به کلامی از ابوحنیفه توحیدی برخورد نمودم که در جواب وزیر صمصام الدولة بن عضدالدوله در حدود سال ۳۷۳ از ابوحنیفه نموده بود. ابوحنیفه در این پرسش و پاسخ، ضمن توضیح درباره مذهب و ویژگی های فکری و علمی و مکان آنان از چهارتن به عنوان مؤلفین رسائل اخوان الصفا نام می برد که عبارتند از: ابوسلیمان محمد بن معشر البستی معروف به مقدسی و ابوالحسن علی بن هارون زنجانی و ابواحمد مهرجانی و عوفی^۴ و گروهی دیگر.^۵

شهرزوری در نزهة الارواح و روضة الافراح از افراد دیگری نیز به عنوان مؤلفان رسائل اسم بره است، از جمله: ابوالحسن علی بن هارون الصابی، ابواحمد نهرجوری، عوفی^۶ البصری، زید بن رفاعه و ابوسلیمان معروف به مقدسی.^۷

هانری کربن ضمن تأکید بر ابهام در نویسندگان اخوان الصفا، به نقل از ابوحنیفه و ابن قفطی و شهرزوری، ابوسلیمان بستی مقدسی، علی بن هارون زنجانی، محمد بن نهرجوری (مهرجانی) و ابوالحسن عوفی را از نویسندگان رسائل برشمرده است. او آنان را اسماعیلی مذهب دانسته و پایگاه فکری و استقرار آنها را بصره ذکر کرده است.^۸

با تکیه بر منابع فوق نام 5 نفر از رهبران و اعضای اخوان الصفا را می توان اینگونه نام برد:

1. ابوسلیمان محمد بن معشر بستی (معروف به المقدسی یا المقدیسی)
2. ابوالحسن علی بن هارون زنجانی
3. ابواحمد مهرجانی (بعضی معتقدند نام این شخص محمد بن احمد نهرجوری است)
4. ابوالحسن عوفی بصری
5. زید بن رفاعه

که ظاهراً زید بن رفاعه موسس این جمعیت و رهبر این گروه بوده است.

برخی دیگر، افرادی چون ابن مسکویه رازی، عیسی بن زرعه (مترجم و فیلسوف)، ابوالوفای بوزجانی (نابغه و ریاضی دان معروف)، احمد بن عبدالله و مسلمه مجریطی قرطبی _ که برای اولین بار رسائل اخوان الصفا را به اندلس برد_ را نیز از شمار اخوان الصفا می دانند.^۹

۴. تاریخ الحکماء، جمال الدین ابوالحسن علی بن یوسف قفطی، ص ۸۲.

۵. نزهة الارواح و روضة الافراح، شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری، ص ۳۶۸.

۶. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه جواد طباطبایی، ص ۱۸۹.

۷. خدمات متقابل ایران و اسلام، مطهری، مرتضی، ص ۲۵۱

گروهی از ابوحنیفان توحیدی نیز به عنوان یکی از اعضای انجمن اخوان الصفا نام می‌برند، اما گروه دیگر معتقدند که ابوحنیفان هر چند با اخوان الصفا یک نوع هفکری داشته و با برخی از اعضای انجمن مانند زید بن رفاعه و مقدسی رابطه داشته، اما با بعضی از آرمان‌های انجمن مخالف بوده و لذا او را جزئی از انجمن اخوان الصفا بر نمی‌شمارند.

آنچه که مسلم است این که اخوان الصفا جمعیتی سازمان یافته بوده است و ذکر نام چند تن، مشکل تاریخی را حل نمی‌کند و همچنان کیفیت حال این گروه در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند. قطعاً تعدادشان بیش از اعضای مشهوری است که به عنوان نویسندگان اخوان الصفا نام برده شده است؛ این پنج تن در واقع مشهورترین اعضای جمعیت اخوان الصفا بوده‌اند که ابوحنیفان توحیدی و دیگران آنان را شناسایی کرده‌اند.

مذهب اخوان الصفا

تشکیلات زیر زمینی و مخفی این جمعیت باعث تشتت و سردرگمی دیگران درباره مذهب و معتقدات این گروه نیز شده است.

شماری معتقدند که اخوان الصفا جماعتی از شیعه با تمایلات صوفیانه بوده‌اند. از این رو، برخی محققان بعضی رساله‌ها را مبتنی بر عقاید شیعه قلمداد کرده‌اند، ولی گفته‌اند که رساله‌ها دعوت به شیعه یا اسماعیلیه به طور ویژه و مخصوص نیست؛ هر چند بعدها اسماعیلیه برای پیشبرد اهداف خود، از این رساله‌ها استفاده کردند.^۸

سید حسین نصر به نقل از پرفسور کربن می‌نویسد که اخوان گروهی از دانشمندان اسماعیلیه بودند.^۹ محمد اقبال لاهوری نیز این جنبش را یک جنبش ایرانی می‌داند که شیوه تبلیغی آنها شباهت زیادی با شیوه اسماعیلیه داشته است.^{۱۰}

دکتر آژند معتقد است که رساله‌های اخوان در بصره - که پایگاه اصلی قرامطه بود - تالیف شد و نسبت به قرامطه دیدگاه مثبت دارد.^{۱۱}

ریچارد ن. فرای، یکی از مستشرقان معاصر، اخوان الصفا را از فرقه معتزله می‌داند که از معتقدات کیش زرتشتی متأثر بوده‌اند.^{۱۲} اما در این میان ابن جوزی، ابوحنیفان توحیدی، ابن راوندی و ابوالعلاء معری را از

۸. تاریخ تمدن اسلام، حلبی، علی اصغر، ص ۱۵۹-۱۶۰

۹. نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، نصر، سید حسین، صص ۵۱-۵۲.

۱۰. سیر فلسفه در ایران، لاهوری، محمد اقبال، ترجمه: آریان پور، ج ۱، ص ۵۰.

۱۱. نهضت قرامطه، آژند، یعقوب، صص ۴۸-۴۹.

۱۲. عصر زرین فرهنگ ایران، فرای، ریچارد ن.، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، ص ۱۷۴.

زنداده اسلام می شمارد. این تیمیه نیز آنها را جزء زنداده و کفار می داند. انتساب نویسندگان اخوان الصفا به کفر، در زمان حیاتشان نیز شایع بود. به نوشته احمد امین، نویسندگان رساله ها از سوی خلافت عباسی به زنداده متهم شدند و کتابهایشان را در بغداد سوزاندند.^{۱۳}

نتیجه آنکه هر چند اکثر محققان نظر داده اند که اخوان الصفا شیعه و احتمالاً اسماعیلی بوده اند و از آثار و نوشته های ایشان نیز همین امر استنباط می شود، ولی اظهار نظرهای مخالف درباره ایشان نیز کم نیست اما اگر در نظر بگیریم که اسماعیلیه احترام خاصی برای این رسائل داشته اند و آنها را در یمن و ممالک دیگر اشاعه داده اند و بنا به قول بعضی از محققان هنوز این مجموعه جزئی از کتب باطنی اسماعیلیه محسوب می شود، جای تعجب نیست اگر جمهور دانشمندان معاصر این مجموعه را از تألیفات اسماعیلیه بشمارند تا جایی که گاه بعضی مطالب این رسائل را «فلسفه اسماعیلی» نامیده اند.

راز مخفی ماندن هویت اخوان الصفا

در توجیه این که چرا این اشخاص هویت خود را پنهان نگه داشته اند، سخن های زیادی گفته شده که بیشتر آنها در حد حدس و گمانه زنی بوده است و کمتر توانسته اند با سند قطعی راز این پنهان کاری را بیان کنند اما بعضی راز مخفی بودن انجمن اخوان الصفا را طرز فکر و عقیده آنها می دانند که برای جمهور مردم مسلمان به هیچ وجه پذیرفته شده نبود، به گونه ای که آنها برای مزوج کردن فلسفه یونان و مبانی دین اسلام، با آیات و روایات با تسامح برخورد کرده و گاه به تاویل آیات و روایات پرداخته اند، در نظر آنان، تعصب داشتن نسبت به یک دین یا مذهب درست نبوده و معتقد بودند که دیدگاه آنها دارای یک جامعیت بوده و همه مذاهب و علوم را شامل می شود.

تشکیلات اخوان الصفا

تشکیلات اخوان الصفا برپایه عضو گیری بسیار دقیقی استوار بود. آنها اعضای خودشان را به شهرها و روستاها می فرستادند تا افراد با استعداد که احتمال رشد و تکامل در او وجود دارد را به گروه دعوت کنند، آنها بیشترین کوشش خود را صرف جذب و تعلیم نوجوانان و جوانان می کردند چرا که افراد با سن بالا را جزء متحجرین می دانستند که سخت مشرب آنها را قبول می کنند.

تشکیلات اخوان الصفا از چهار گروه سنی تشکیل می شد که عبارت بودند از:

۱۳. ظهر الاسلام، امین، احمد، ج ۲، ص ۱۵۵.

۱. جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله که به آنها «اخوان الابرار و الرحماء» می گفتند و باید دارای صفات پاکی و جوهر نفس می بودند.

۲. افراد ۳۰ تا ۴۰ ساله که به آنها «اخوان الاخيار و الفضلاء» می گفتند و ویژگی آنها، سخاوت بخشی و مهربانی با دیگر اعضای انجمن بود.

۳. افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله که به آنها «اخوان الفضلاء و الکرام» می گفتند که توانایی امر و نهی را داشته و با مخالفان همواره با نرمی و ملاحظت، به مجادله و مباحثه می پرداختند.

۴. افراد ۵۰ سال به بالا که بالاترین مرتبه در انجمن نیز بود و دیگر اعضای دعوت می شدند تا آمادگی برای دخول در این مرحله را کسب کنند، این گروه آمادگی برای رستخیز و مفارقت هیولایی را داشتند. در این مرتبه قوه معراج دست می داد، و صعود به ملکوت میسر بود. اعضا می توانستند احوال قیامت، بعثت، نشور، میزان و عبور از صراط را ببینند، در این مرحله نجات از دوزخ و مجاورت ذات پروردگار میسر می شد.

عبور از یک مرحله و ورود به مرحله بعد، مستلزم عبور از موانع و موفقیت در آزمایشهای سخت و توانفرسا بود. مثلاً به اعضا فرمان می دادند تا از نزدیکان خود ببرند، از وطن خود بیرون بروند، مال خود را انفاق کنند، جان خود را بر سر اهداف جمعیت ببازند و در راه رضای خدا بکوشند و وقتی این مراحل را طی می کردند، رئیس الوفاء آنها را لایق گذر از مرحله ای به مرحله دیگر می دانست. در این مرحله کتابهای پنهانی برای آنها خوانده می شد و ضمن آموزش رساله ها و کتابهای اخوان الصفا، اسرار نگفته برایشان گفته می شد. جلسات اخوان الصفا هر پانزده روز یک بار تشکیل می شد، اعضای جلسات، لباس مخصوص می پوشیدند. رئیس در جای خود می نشست، و برای حاضران سخن می گفت. ظاهراً مرکز اخوان الصفا در بصره قرار داشت، ولی تشکیلات این جمعیت در دیگر نواحی ممالک اسلامی گسترده بود.^{۱۴}

اهداف اخوان الصفا

اهداف اخوان الصفا را می توان در زمینه های سیاسی و مذهبی دنبال کرد، آنها با توجه به انتقادهایی که از حکومت عباسی در بغداد داشته اند، برپایی حکومت دنیوی که عدالت بر آن حاکم باشد و عموم مردم از خیر و برکت آن بهره مند گردند، را یکی از اهداف خود بیان می کردند. آنها ایجاد اتحاد و ائتلاف بین تمام افراد جامعه،

۱۴. تاریخ تمدن اسلام، حلبی، علی اصغر؛ تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، فاخوری، حنا.

ترویج صلح و صفا بین مردم، رفع اختلافات فکری و مذهبی و گردآوردن آن‌ها تحت یک پرچم واحد برای نیل به کمال را دنبال می‌کردند و در این راه با کمک فلسفه، به تبیین مبانی دینی و زدودن خرافه‌گرایی از دین پرداختند چرا که معتقد بودند دین را نادانی‌ها و خرافه‌گرایی چرکین کرده و برای شست و شو و تطهیر آن، جز فلسفه راهی نیست و باید شریعت را با فلسفه تطهیر کرد.

آنها فلسفه را فوق شریعت می‌دانستند و همواره معتقد بودند که اگر فلسفه یونانی و شریعت اسلامی را به هم بیامیزند نهایت کمال حاصل خواهد شد، و لذا منکر هر گونه تضاد و تعارض بین فلسفه یونانی و مبانی دین مبین اسلام شدند و با مزوج کردن فلسفه یونانی و مبانی دین اسلام، به یک انقلاب فکری رسیدند و سعادت دیگران را در پیمودن این راه می‌دانستند.

آنها برای تحقق بخشیدن به هدف‌های سیاسی و دینی خود، راه پنهان کاری را برگزیدند، به همین علت هدف واقعی و حقیقی آنها مانند هویتشان از دیگران مخفی مانده است.

نتیجه گیری:

با توجه به آنچه گذشت مشخص می‌شود هر چند اوضاع سیاسی - اجتماعی قرن ۴ و ۵ هجری قمری در پیدایش این انجمن و سرّی بودن آن مؤثر بوده ولی تعیین دقیق این مسئله و روشن کردن جزئیات، شناسایی و هویت اعضای انجمن و بیان اهداف دقیق آنها، چندان کار آسانی نیست و بین محققان اعم از قدما و معاصران اختلاف نظر فراوانی در این زمینه‌ها وجود دارد. در مجموع، می‌توان گفت که اخوان الصفا مسلمانانی معتقد بودند و گرایش‌های شیعی در آثارشان کاملاً مشهود است هر چند خودشان از انتساب به مذهب خاصی ابا داشتند. هدف آن‌ها بنیان‌گذاری مکتب و راهی جدید برای رساندن مردم به سعادت از طریق جمع بین فلسفه و شریعت بود که در این راه توجه ویژه به مکتب ارسطو و فلسفه یونان داشته‌اند و می‌توان مشرب آنها را به مشرب فیثاغوریان مرتبط دانست. همچنین با توجه به شواهد و قراین فراوان درباره ارتباط این گروه با فرقه اسماعیلیه، مانند این نکته که رسائل اخوان صفا در قرون بعدی مورد استفاده اسماعیلیه قرار گرفته و از مآخذ مهم دعوت آنان به شمار می‌آید و اینکه بعضی از افکار اساسی بین اسماعیلیه و اخوان الصفا مشترک است، و همچنین کشف بسیاری از رساله‌های اخوان الصفا در قلاع الموت پس از تصرف آنها به دست هلاکو خان، باید به ناچار ارتباط بین این گروه و فرقه اسماعیلیه را قبول کنیم.

منابع:

اندیشه سیاسی اخوان الصفا، فریدونی، علی، (۱۳۸۰) قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی)، چاپ دوم.

مقاله تحقیقی پیرامون جمعیت اخوان الصفا و آرا و اندیشه های ایشان ، منبع : فصلنامه امام صادق، شماره ۶، بهرامی احمدی، حمید

سایت دایره المعارف طهور <http://tahoor.com>

دانشنامه آزاد ویکی پدیا (<http://www.wikifeqh.ir>)

سایر منابع:

ترجمه رسائل اخوان الصفا، به اهتمام میرزا محمد ملک

عیون الاخبار ، ادريس عمادالدين

تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، حنا الفاخوری، ترجمه عبدالمحمد آیتی.

تاریخ الحكماء، جمال الدين أبوالحسين على بن يوسف قفطی.

نزهة الارواح و روضة الافراح، شمس الدين محمد بن محمود شهرزوری.

تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه جواد طباطبایی.

تاریخ تمدن اسلام، حلبی، علی اصغر، تهران: اساطیر، ۱۳۷۲.

نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، نصر، سیدحسین، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۹.

سیر فلسفه در ایران ، لاهوری، محمد اقبال، ، ترجمه آریان پور، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷

نهضت قرامطه، آژند، یعقوب، ، تهران: مؤسسه میراث ملل، ۱۳۶۸ .

عصر زرین فرهنگ ایران، فرای، ریچارد ن.، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۵۸.

امین، احمد، ظهر الاسلام، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۶۴ ق .

حلبی، علی اصغر، تاریخ تمدن اسلام، تهران: اساطیر، ۱۳۷۲.

فاخوری، حنا، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، تهران: کتاب زمان، ۱۳۵۸ .

خدمات متقابل ایران و اسلام، مطهری، مرتضی.